

## " اخلاق نوشتن را رعایت کنید "

این جمله ایست از نوشته مفصل آقای با نام مستعار: سامان قهرمان.  
من به موارد زیر کاری ندارم:

- که سامان قهرمان، شخص آقای علی عبدالرضائی است یا خیر؟ هر چند، طرز نگارش ایشان بسیار شبیه نوشته های آقای عبدالرضائی است.
- که چرا نوشته آقای: ساسان قهرمان، تا این حد پریشانی ایجاد کرده است؟ و باعث از کوره در رفتن شده است. و کار را بدانجا رسانده که اسم مستعار هم می شود: سامان قهرمان " چیزی شبیه " ساسان قهرمان "
- که چه سابقه و بده بستانی بین آقایان: سامان قهرمان و علی عبدالرضائی از یکطرف و آقای علیرضا بهنام از سویی دیگر وجود دارد؟
- که آقای ساسان قهرمان، در دهات کانادا زندگی می کند، یا در " تورونتو " که یکی از شهر های به نام دنیاست؟ ولی به این کار دارم که:
- چرا رسانه: " مجله شعر در هنر نویسش! " ، اگر کاملاً ملک طلق آقای سستی ن ی عبدالرضائی زمام و آن کاملاً در اختیار آقای پرهام است، اجازه می دهد که نوشته مشنومی با نام چاله میدانی ی " هر گاو گند چاله دهانی " در آن نشریه، منتشر شود. نوشته ای عاری از منش و نزاکت، عصبی، سرشار از هتاک و به دور از " اخلاق نوشتن! ".... باید خیلی " سوزش " در این میان باشد. چه ظرف کوچکی از حوصله و تحمل دارد، این آقای علی خان. جا داشت که خانم زیبا کرباسی با آن منش خانمانه خود، جلوی " شوالیه " را می گرفت، و مانع می شد که " هنر نویسش " چنین آلوده شود. جملاتی از این افاضات!! را بخوانیم:

".... اگر مرتکب این اشتباه نمی شدید، وقاحت از حد می گذشت...."  
".... دهانت از تعجب شاخ در می آورد..."  
".... در کدامیک از دهات کانادا...."  
".... تا فکر کنی یکی از فحش های رایج پامناست..."  
".... آدم تر از تو، در این شهر یافت می نشد...؟"  
".... آقای بی حافظه..."  
".... دیگر چه مرگتان است...؟"  
".... نشان از بی شعوری... سیاسی شما دارد...."  
".... دروغپردازی شما، کمی غیر انسانی است! می گویم کمی، چرا که رعایت همین کم نیز از عهده شما خارج است..."  
و بالاخره:

اردشیر زینال

"... یادتان می دهم، که چگونه اخلاق نوشتن را رعایت کنید...."

کپی:

\*\* مجله شعر

\*\* قابیل

\*\* هممه

\*\* گذرگاه

\*\* قلمرو

